

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

صمد زابلی
۱۶ جنوری ۲۰۱۳

سلسله ای از آموختنی های من

(۵)

ریشه های تاریخی لنینیزم

امپریالیزم «سرمایه داری محتضر»: از آنجائی که امپریالیست ها تضادهای سرمایه داری را به آخرین حد می رسانند که سبب جنگ های امپریالیستی می شود، این جنگ های امپریالیستی زمینه انقلاب را آماده می سازد، انقلابی که مقدمه انقلاب پرولتاریائی می شود و باید سرمایه داری را نابود کند. از اینرو لنین، امپریالیزم را «سرمایه داری محتضر» می خواند.

امپریالیزم و سه تضاد: این سه تضاد عبارت اند از تضاد میان کار و سرمایه، تضاد میان دول کشورهای امپریالیستی و تضاد میان خلق و امپریالیست ها. تضاد میان کار و سرمایه به صورت نیروی مطلق انحصارات مالی، بانکی، الیگارشالی مالی در کشورهای صنعتی علیه کارگران به وجود می آید. انحصارات سبب می شود تا رقابت آزاد دوران سرمایه داری از میان برود، از اینرو شیوه های عادی مبارزه طبقه کارگر از نوع اتحادیه های کارگری و کنوپراتیف ها، احزاب پارلمانی و مبارزات پارلمانی، جوابده دوره انحصارات نمی باشد. در این دوره پرولتاریا با فقر و تنگدستی خود یا باید تسلیم بورژوازی شود و یا دست به سلاح برده، راه نجات خود را پیدا کند و همینجاست که تعدی و ستمگری امپریالیست ها طبقه کارگر را تا انقلاب می برد.

تضاد میان گروه های مختلف مالی و دول امپریالیستی به شکل تلاش و جنگ برای به دست آوردن منابع مواد خام، بازارها و تصرف کشورهای دیگر تبارز می کند. این تضاد برای تصاحب انحصاری منابع، برای تقسیم مجدد جهان و تصرف کشورها به وسیله قدرت های نوحاسته و حفظ این تصرفات به وسیله دول قدیمی شکل می گیرد. این تضاد وحشیانه میان دول امپریالیستی، جنگ های امپریالیستی را در خود حمل می کند. جنگ های امپریالیستی، وسائل ضعف متقابل امپریالیست ها و به طور کلی ضعیف شدن سنگرهای سرمایه داری و در عین زمان توده ها را به شدت به طرف فقر و ناداری سوق می دهد که همه اینها سبب نزدیک شدن لحظه انقلاب پرولتاریا می شود.

تضاد میان خلق ها و امپریالیست ها، به شکل گستاخانه ترین استثمار و بی رحمانه ترین استعمار خلق ها وسیع ترین مستعمره ها و کشورهای غیر مستقل تبارز می کند. هدف این استثمار و سرکوب، تحصیل سود بیشتر می باشد. امپریالیست ها برای به دست آوردن سود بیشتر ناگزیر هستند در کشورهای مستعمره راه های آهن، کارخانه ها و مراکز صنعتی و تجارتی برپا سازند. اسارت کشورهای دیگر و سرمایه گذاری امپریالیستی در کشورهای مستعمره، پیدایش طبقه پرولتاریا، بیداری روشنفکران و افکار ملی، قوت یافتن جنبش های آزادیخواهانه، قوی شدن نهضت

انقلابی را با خود همراه دارد که مستعمرات امپریالیست ها و کشورهای غیر مستقل را از ذخائر امپریالیزم به ذخائر انقلاب پرولتاریائی مبدل می سازد.

به طور کلی این سه تضاد که در جامعه امپریالیستی موجود است، سبب احتضار سرمایه داری می شود و امپریالیزم را به سرمایه داری محتضر تبدیل می کند.

مبارزه علیه استبداد باید با مبارزه علیه امپریالیزم پیوند بخورد: هر آن کسی یا حزبی که می خواهد استبداد داخلی را سرنگون سازد، ناگزیر باید علیه امپریالیزم مبارزه کند، چون استبداد داخلی نیروی حامی امپریالیزم به شمار می رود. سرنگونی قطعی استبداد طبقات حاکمه داخلی بدون پنجه زدن بر روی امپریالیزم امکان ندارد. یعنی انقلاب علیه استبداد و طبقات حاکمه داخلی باید به انقلاب علیه امپریالیزم و انقلاب پرولتاریائی نزدیک شود و ضمن رشد خود به آن بدل گردد.

تبدیل کردن انقلاب کشوری به انقلاب پرولتاریائی جهانی: انقلاب پرولتاریا در یک کشور باید جنبه جهانی پیدا کند و پایه های امپریالیزم را در کشورهای مختلف جهان متزلزل بسازد. کمونیست ها حق ندارند کار و مبارزه خود را در چهاردیواری تنگ ملی محدود بسازند، بلکه باید با در نظر داشت اوضاع و تحلیل از شرایط، کارهای خود را از این چهاردیواری بیرون نموده و به میدان بین المللی ببرند، جراحات امپریالیزم را باز کنند، ورشکستگی ناگزیر سرمایه داری را به ثبوت برسانند و کار واژگون ساختن سرمایه داری را برای پرولترهای تمام جهان آسان سازند. زیرا واژگون ساختن سرمایه داری در کشورهای مختلف است که جامعه سوسیالیستی را در مقابل بازگشت رژیم بورژوازی تضمین می کند.

سوالات:

۱. امپریالیزم را چرا «سرمایه داری محتضر» می نامیم؟
۲. چرا در دوره انحصارات، شیوه های عادی طبقه کارگر - اتحادیه های کارگری و کنوپراتیف ها، احزاب پارلمانی و مبارزات پارلمانی - به کلی غیر کافی هستند؟
۳. امپریالیزم طبقه کارگر را تا انقلاب می رساند، یعنی چه؟
۴. کشورهای امپریالیستی برای به دست آوردن سرچشمه های مواد خام و تصرف خاک دیگران با هم در تضاد قرار دارند، این تضاد را در شرایط کنونی در جهان چگونه می بینید؟
۵. ستالین می نویسد: «این مبارزه سبعانه بین دستجات مختلف سرمایه داران {برای تصرف خاک دیگران} از این حیث شایان دقت است، که جنگ های امپریالیستی یعنی، جنگ هایی را که برای تصرف خاک دیگران می شود، به عنوان یک عنصر ناگزیر در بردارد.» اگر این سخن ستالین را با وضعیت اشغالی افغانستان به وسیله امپریالیست ها مقایسه کنیم، عرضه «تئوری مداخله» از طرف اپورتونیست ها را چگونه بررسی می کنید؟
۶. ستالین می نویسد: «امپریالیزم گستاخانه ترین استثمار و بی رحمانه ترین اسارت صدها میلیون مردم وسیع ترین مستعمره ها و کشورهای غیر مستقل می باشد. هدف این استثمار و سرکوب، عبارت است از تحصیل سود اضافی». وقتی امپریالیزم امریکا و متحدان غربی آن بر افغانستان تجاوز کردند، چرا اپورتونیست ها آن را «ائتلاف بین المللی ضد تروریسم» نام دادند و اینجا و آنجا آن را «جامعه جهانی» خواندند و از «فضای مساعد شده برای دموکراسی» و «ضربه زدن فئودالیزم» صحبت کردند؟
۷. ستالین می نویسد: «امپریالیزم، ضمن استثمار این کشورها، ناگزیر باید در آنجا راه های آهن، کارخانه ها و مراکز صنعتی و تجارتی برپا سازد»، وقتی امپریالیزم خود به چنین پروژه ها اقدام می کند، چرا اپورتونیست ها در یازده سال گذشته از عدم کارهای بنیادی به وسیله امپریالیست ها شکوه و گله کردند؟ چرا عده ای از این

که «کمک های امپریالیستی ریخت و پاش دارد و ناکافی است» ابراز نگرانی کردند، آیا ماهیت امپریالیزم را نمی شناختند و یا به خوبی می شناختند، ولی به خاطر سودهای مالی، آنها را متوجه مسئولیت های شان می ساختند؟

۸. ستالین می نویسد: «پیدایش پرولتاریا و تجلی روشن فکران محلی، بیداری افکار ملی، قوت یافتن جنبش های آزادیخواهانه؛ اینها هستند نتایج این «سیاست». قوی شدن نهضت انقلابی بلااستثناء در تمام مستعمرات و کشورهای غیر مستقل شاهد برجسته ای بر این امر است.» اما چرا در افغانستان، اپورتونیست های ما نتوانستند ستالین را درک کنند و تا مرز تسلیم طلبی رفتند، نه تنها که افکار ملی گذشته را دیگر نداشتند، بلکه خود به ابزار تبلیغاتی امپریالیست های تبدیل شدند و انقیادطلبی را تبلیغ کردند؟

۹. مبارزه علیه استبداد با مبارزه علیه امپریالیزم باید پیوند بخورد، به خصوص در کشوری اشغال شده مثل افغانستان، اما چرا اپورتونیست های ما، تنها علیه استبداد پاچه پر زده، سوغات های امپریالیست ها را به بغل جیب می زنند؟

۱۰. چرا انقلاب پرولتاریائی کشوری باید به میدان بین المللی انتقال یابد؟